نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۹۴۲
Mojahed 942
اسفند ۱۳۸۹
ربیع‌الثانی ۱۴۳۲
March 2011
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

لس‌آنجلس تایمز: فراخوانهای روزافزون مقامات کلیدی جمهوریخواه و دموکرات برای حذف نام مجاهدین از لیست آمریکا، علائم تغییر سیاست

Los Angeles Times

آیا دولت اوباما سرنگونی حکومت ایران را با حذف نام یک گروه اپوزیسیون از لیست آمریکا تسریع خواهد کرد؟
پاسخ این سؤال، با گوش دادن به شمار روزافزون مقامات قبلی و بانفوذ دولت آمریکا، مثبت است.

در واشینگتن، ابتدا محافظه‌کاران ازحذف نام مجاهدین از لیست حمایت می‌کردند ولی اکنون حمایت از آنها تمامی گستره سیاسی آمریکا را در برمی‌گیرد و حمایت یک چهره جدید با مواضع بسیار بالا در دولت اوباما می‌تواند علامتی از تغییر سیاست نه تنها در رابطه با سازمان مجاهدین بلکه در زمینه روابط با حکومت تهران باشد.
این شخصیت جدید لی همیلتون یک مشاور عالیرتبه پرزیدنت اوباما است

در صفحه آخر

کنفرانس واشینگتن –خاورمیانه در حال گذار: چشم اندازها برای ایران

روز شنبه۳۰بهمن۸۹(۱۹ فوریه) در کنفرانس بزرگی درواشینگتن، مقامات عالیرتبه و دارای موقعیتهای کلیدی دردولتهای بوش، کلینتون و اوباما، بر ضرورت حمایت از قیام مردم ایران برای تغییر دموکراتیک، حفاظت از اشرف و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا تأکید کردند.
در این کنفرانس، متخصصان برجسته حقوق بین‌الملل، تروریسم، سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا و نیز سفرا و نمایندگان هیأتهای دیپلوماتیک از کشورهای اروپایی وخاورمیانه ومحققان بنیادهای فکری آمریکا شرکت داشتند.

سخنرانان این جلسه عبارت بودند از:

لی همیلتون، رئیس کمیته خارجی کنگره آمریکا(۱۹۹۳-۱۹۹۵)، رئیس کمیته اطلاعات کنگره(۱۹۸۵-۱۹۸۷)، نماینده کنگره (۱۹۶۵ ـ ۱۹۹۹)، ریاست مشترک کمیسیون تحقیقات ۱۱ سپتامبر، ریاست مشترک کمیسیون تحقیقات سنا و کنگره آمریکا در مورد ایران گیت، ریاست مشترک گروه سیاست عراق، رئیس مؤسسه دولتی وودرو ویلسون در واشنگتن تا سال ۲۰۱۰

ارتشبد پیتر پیس، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا (۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۷)، نایب رئیس ستاد مشترک ارتش(۲۰۰۱ ـ ۲۰۰۵)

ارتشبد هیو شلتون، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا (۱۹۹۷ ـ ۲۰۰۱)، دارای نشان افتخار و مدال طلای خدمات برجسته از کنگره آمریکا و دارای نشان شوالیه از ملکه انگلستان (۲۰۰۱)

ارتشبد مایکل هیدن، رئیس اطلاعات مرکزی آمریکا (۲۰۰۶ ـ ۲۰۰۹)، معاون ریاست کل آژانسهای اطلاعاتی آمریکا (۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۶)، رئیس آژانس امنیت ملی آمریکا (۱۹۹۹ ـ ۲۰۰۵)

بیل ریچاردسون، کاندیدای ریاست جمهوری، وزیر انرژی (۱۹۹۸-۲۰۰۱)، سفیر آمریکا در ملل متحد (۱۹۹۷-۱۹۹۸)، فرماندار نیومکزیکو (۲۰۰۳-۲۰۱۱)، نماینده ویژه پرزیدنت اوباما در مذاکرات هسته‌یی با کره شمالی، نماینده در سازمان کشورهای آمریکایی (آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین)، عضو مجلس نمایندگان (به مدت ۱۴ سال)

مایکل موکیزی، وزیر دادگستری آمریکا (۲۰۰۷- ۲۰۰۹)، ریاست دادگاه (به مدت ۶ سال) قاضی فدرال (به‌مدت ۱۸ سال)

والتر اسلوکومب، معاون وزیر دفاع آمریکا (۱۹۹۴ـ ۲۰۰۱)
سفیردیل دیلی، مسئول بخش ضدتروریسم در وزارت خارجه آمریکا، (۲۰۰۷-۲۰۰۹)

سناتور رابرت توریسلی(ریاست جلسه)، سناتور از نیوجرسی(۱۹۹۷-۲۰۰۳)،عضو هیأت رهبری حزب دموکرات در سنا، عضو مجلس نمایندگان (به مدت ۱۴ سال) و عضو ارشد کمیته خارجی

لی همیلتون

رئیس کمیته خارجی کنگره آمریکا از سال ۱۹۹۳ تا۱۹۹۵

بهترین شانس ایالات متحده برای پیشرفت در روابط با مردم ایران، حمایت از اپوزیسیون ایران است. برای من قابل فهم نیست که چرا ایالات متحده در طول این سالیان نام مجاهدین را در لیست گنجانده است. من به مطالب محرمانه دسترسی داشتم و هیچ فاکتی ندیده ام که این نامگذاری را توجیه کند.آمریکا باید تاکید کند که دولت عراق به تعهدات خود درقبال حفاظت از اشرف عمل کند. امنیت و سلامت ساکنان اشرف باید تضمین شود.

ارتشبد پیتر پیس

رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷

طرح ده ماده ای که امروز خوانده شد عالیست. اگر من یک شهروند ایرانی باشم و قطعا بعنوان یک شهروند جامعه جهانی از یکایک نکات آن حمایت می‌کنم.
من سعی کردم بفهمم که چرا دولت من کماکان مجاهدین را نامگذاری می کند، اما دلیلی که مرا متقاعد کند، نیافته ام. برخی افراد این هفته به من گفتند که اگر امریکا مجاهدین را از لیست خارج کند علامتی به رژیم ایران است که ما سیاستمان را از تغییر رفتار رژیم با سیاست تغییر رژیم ایران جایگزین کرده ایم.

ارتشبد مایکل هیدن

رئیس اطلاعات مرکزی آمریکا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹

رژیم ایران در مسیر کسب قابلیت اتمی است. این سیاست رژیم ایران بود که در بالاترین سطوح آن به تصویب رسیده بود که کشتار سربازان آمریکایی و ائتلاف درعراق را تسهیل کند. سیاست تعامل و تحریم نمی‌تواند به هیچ وجه به این منجر شود که رفتار رژیم ایران را تغییر بدهد.
تصور کنید که این رژیم بدون سلاح هسته‌یی درحال‌حاضر چه کار می‌کند و بعد تصور کنید که چنین رژیمی با داشتن سلاح اتمی چه خواهد کرد، حتی اگر چنین سلاحی تنها به‌مصداق جعبه ابزار در گاراژ باشد.

ارتشبد هیو شلتون

رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا از سال ۱۹۹۷ ـ ۲۰۰۱

مسئله ایران به این خاطر بغرنج شده که بزرگترین مقاومت سازمانیافته در برابر رژیم حاکم برایران، یعنی سازمان مجاهدین خلق، در لیست قرار گرفته است و به نظر من این یک اشتباه بود که باید به سرعت جبران شود. نه فردا، بلکه همین الان. با گنجاندن مجاهدین در لیست، ما حمایت بهترین مقاومت سازمانیافته داخلی علیه بزرگترین رژیم تروریستی را تضعیف کرده ایم
و این شرم‌آور است.رژیم ایران باید تغییر کند و سازمان مجاهدین سازمانی است که رژیم از آن می‌ترسد.

مایکل موکیزی

وزیر دادگستری آمریکا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹

وزیر خارجه ما، هیلاری کلینتون، از دهها هزار تظاهرکننده این هفته در پایتخت ایران حمایت کرد و عوامفریبی رژیم ایران را که تظاهرات در مصر را ستود، ولی مخالفان خود را سرکوب کرد، خاطرنشان نمود. با این وجود، ما باید بر تناقضی که در سیاستمان در رابطه با اپوزیسیون ایران نهفته است، غلبه کنیم. در لیست قراردادن نام مجاهدین خلق، بزرگترین و سازمانیافته‌ترین گروه اپوزیسیون ایران را که رژیم ملاها بیش از همه از آن می‌ترسد، محدود کرده است.

بیل ریچاردسون

وزیر انرژی آمریکا از سال ۱۹۹۸تا۲۰۰۱ سفیر آمریکا در ملل متحد از سال

من شتاب تحولات در خاورمیانه و در ایران و ماهیت سرکوبگر رژیم در پاسخ به تظاهرکنندگان را حس می‌کنم. رخدادهای خاورمیانه عطش برای آزادی و دموکراسی و برای سرنگون کردن دیکتاتورهایی است که آزادی مردم را محدود کرده‌اند در رابطه با ایران، اولین قدم حذف مجاهدین خلق ایران از لیست است.. حفاظت اشرف بسیار دست‌یافتنی است و ما باید برای انجام آن کار کنیم. مقاومت شما جنبشی است که فقط خواستار آن است که بتواند آزادانه برای احقاق حقوق دموکراتیک حرکت کند.

هیل، نشریه کنگره آمریکا: شخصیتهای برجسته واشینگتن برای حمایت از حذف نام مجاهدین خلق از لیست تروریستی وارد شدند

THE HILL

۱۹فوریه۲-۱۱

خارج کردن نام مجاهدین خلق از لیست تروریستی به یک موضوع جنجالی در میان برخی از مقامات سابق دولت کلینتون و بوش و نیز برخی قانونگذاران کنونی در کنگره تبدیل شده است.
سنگین‌وزنهای واشینگتن مانند دادستان سابق بوش، مایکل موکیزی، سفیر سابق کلینتون در سازمان ملل و وزیر انرژی، بیل ریچاردسون و مشاور پیشین امنیت کشور بوش، تام ریج در کنفرانسهایی در آمریکا و خارج در حمایت از حذف نام مجاهدین خلق از لیست تروریستی شرکت کرده‌اند.

بزرگان بیشتری در واشینگتن به نهضت بیرون آوردن گروه ایرانی از لیست تروریستی می پیوندند

سایت تی پی ام، ۲۲ فوریه ۲۰۱۱

چندین تن از قانونگذاران برجسته سابق، مقامات دولتی، و رهبران نظامی، نام خود را به نامهای لیست روزافزون سیاسیون برجسته برای حمایت از گروه اپوزیسیون ایرانی که در حال حاضر توسط وزارت خارجه، گروه تروریستی قلمداد می‌شود اضافه می‌کنند. گروه، مجاهدین خلق یک تاریخ حمایت در واشینگتن دارد. در مراسم روز شنبه چندین نفر از سخنگویان استدلال کردند که مجاهدین در این شرایط بحرانی، شانس هر گونه تغییر رژیم ایران هستند.

سفیردل دیلی

مسئول بخش ضدتروریسم در وزارت خارجه آمریکا از سال ۲۰۰۷ تا۲۰۰۹

در منطقه خاورمیانه به‌طور خاص در تونس تیک‌تاک ساعت شنیده شد، در مصر تیک‌تاک ساعت شنیده شد و در ایران نیز تیک‌تاک ساعت شنیده می‌شود. هیچ‌کس توقع قیام در تونس، لیبی، مصر، بحرین و یمن را نداشت. اما با شگفتی این اتفاقات به‌وقوع پیوستند. مردم ایران که در تاریخ اخیر کشور خود حاکمان را سرنگون کرده‌اند توانایی پاسخگویی دارند.

سناتور رابرت توریسلی

سناتور از نیوجرسی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳

چرخهای تاریخ درگردش است و اکنون موج عظیم و بلندی از امید و عطش آزادی به کرانه‌های ایران نزدیک می‌شود. آنچه زمانی ناممکن می‌نمود، اکنون به نوعی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. باید یک بی‌عدالتی بزرگ را ترمیم کنیم. سازمان مجاهدین خلق ایران درچارچوب یک استراتژی استمالت درقبال حکومت تهران در لیست قرار داده شد. اما این سیاست شکست‌خورده و اکنون زمان آن فرارسیده که به آن کاملاً پایان داده شود

والتر اسلوکومب

معاون وزیر دفاع آمریکا از سال ۱۹۹٤ تا ۲۰۰۱

بهترین گزینه، تغییری است که به‌دست خود مردم ایران صورت گیرد.. من فکر می‌کنم تنها کسی در این جمع باشم که به کمپ اشرف رفته‌ام. آمریکا متعهد شده برای مجاهدان مستقر در آن کمپ حفاظت ایجاد کند. ما باید راهی پیدا کنیم که تضمین نماید آن افراد حفاظت شوند. در این زمینه تعهداتی وجود دارد. آمریکا متعهد شده است برای مجاهدان مستقر در آن کمپ حفاظت ایجاد کند.

رهبران، خواهان حذف سازمان مجاهدین خلق از لیست شدند

سنت پیترزبوگ تایمز، ۲۰فوریه ۲۰۱۱

مقامات ارشد پیشین آمریکا از دولت اوباما خواستند تا یک گروه مخالف ایرانی را از لیست سازمانهای تروریستی خود خارج کند...آنها هیلاری کلینتون وزیر خارجه را فراخواندند تا این نامگذاری را که ۱۴سال است سازمان مجاهدین خلق را در لیست قرار داده، لغو کند. مقامات مزبور از جمله شامل بیل ریچاردسون، مایکل موکیزی و لی همیلتون می‌باشند.

Associated Press

چندین مقام سابق آمریکا از وزیرخارجه خواستند تا سازمان مجاهدین خلق را از لیست خارج کند

مقامات سابق آمریکا روز شنبه از دولت اوباما مؤکدانه خواستند تا یک گروه ناراضی ایرانی را از لیست سازمانهای تروریستی خود خارج کند با این استدلال که خروج این سازمان از لیست، در زمانی که رژیمهای مستبد در سراسر خاورمیانه تلوتلو می‌خورند، فشار بر تهران را بالا خواهد برد.
چندین مقام سابق آمریکا از هیلاری کلینتون وزیرخارجه خواستند تا نامگذاری سازمان مجاهدین خلق را به‌عنوان یک گروه تروریستی لغو نماید.
بیل ریچاردسون فرماندار سابق نیومکزیکو و سفیر آمریکا در ملل متحد در دوره دولت کلینتون گفت عطش آزادی و دموکراسی در خاورمیانه و شکست در کسب امتیازاتی در مورد برنامه اتمی ایران، حمایتهایی را برای مجاهدین در واشینگتن فراهم کرده است. وی افزود این نامگذاری "هیچ معنایی ندارد "و پیش‌بینی کرد که ممکن است به‌زودی لغو گردد.
ژنرال هیو شلتون رئیس سابق ستاد مشترک هشدار داد که ایران ممکن است از موجی از اعتراضات حامی دموکراسی سوءاستفاده کند و رژیمهای تندرو را تشویق کند. شلتون ایران را بزرگترین دولت صادر کننده ترور خواند و افزود که مجاهدین خلق، به‌عنوان سازمان‌یافته‌ترین گروه مقاومت داخلی می‌تواند فشار بر تهران را افزایش بدهد. ایران به‌خاطر برنامه مشکوک اتمی‌اش پیشاپیش هدف تحریمهای ملل متحد و تحریمهای مورد حمایت آمریکا قراردارد.
شلتون گفت رژیم فعلی ایران در حال حاضر حکومتی است که لازم است تغییر یابد. آمریکا از سال ۱۹۹۷ نام مجاهدین را در لیست تروریستی گنجانده است، با این حال، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ آن را از لیست تروریستی خود خارج ساخت.
مایکل موکیزی، دادستان سابق آمریکا که توسط پرزیدنت بوش معرفی شد، مجاهدین را، یک سازمان سیاسی میانه‌رو، طرفدار جدایی دین از دولت دموکراتیک، و نیز بزرگترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه اپوزیسیون در ایران نامید. او گفت، "ما باید روشن سازیم که در کنار کسانی می‌ایستیم که برای آزادی می‌ایستند."
به درخواست مصرانه آمریکا و اتحادیه اروپا، و در تلاش برای مجبور کردن تهران به گشودن برنامه اتمی‌اش و اثبات این‌که، در پی کسب توانایی ساختن یک بمب اتمی نیست، ملل متحد مجموعه‌یی از تحریمات را علیه ایران اعمال کرده است، تحریماتی که به‌تدریج تشدید می‌شوند و آخرین آن، در ژوئن گذشته بود. ایران تأکید می‌کند که برای استفاده‌های صلح‌آمیز، در پی تکنولوژی اتمی است.
مایکل هیدن، رئیس سابق اطلاعات مرکزی آمریکا هشدار داد که نیروهای اپوزیسیون ایران، با شرایط بسیار سخت‌تری در ایران، نسبت به کشورهایی مانند مصر و تونس مواجه هستند. در این کشورها، رهبران مستبد، اخیراً برکنار شدند، اما دولت ایران ثابت کرده است که قصد دارد از خشونت علیه مخالفین استفاده کند. هیدن گفت که دولتهای موجود در منطقه "تابع تئوری دومینو نیستند، (که وقتی یکی از آنها ساقط شود، بقیه هم به تبعیت از آن، یکی پس از دیگری ساقط شود.م)، اینها رژیمهای بسیار متفاوتی هستند."
هیدن تخمین زد که ایران می‌تواند تمامی گامهای لازم برای ساختن یک بمب را ظرف یکسال تکمیل کند، هر چند اذعان نمود که سایرین بر این نظر هستند که این کار می‌تواند زمان خیلی بیشتری بگیرد. او گفت، ایران ممکن است، به‌دلیل واکنشهای ناشی از این کار، به‌طور واقعی این سلاح را نسازد.
در عوض، او گفت، ایران ممکن است اجزای یک سلاح اتمی را بسازد که ظرف چند هفته قابل مونتاژ کردن باشد. وی افزود، حتی چنین سلاح "مجازی"یا " ابزارکار در گاراژ" می‌تواند تهران را از یک نفوذ مهیب در منطقه برخوردار کند.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

کنفرانس واشینگتن «خاورمیانه در حال گذار: چشم اندازها برای ایران»

ارتشبد پیتر پیس

برخی افراد این هفته به من گفتند که اگر آمریکا مجاهدین را از لیست خارج کند علامتی به رژیم ایران است که ما سیاستمان را از تغییر رفتار رژیم با سیاست تغییر رژیم ایران جایگزین کرده‌ایم. پاسخ من این بود که تغییر سیاست ایدهٔ خوبی خواهد بود

رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا
از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷

من به‌عنوان فردی آمده‌ام که تجربیات متحصر به‌فردی دارم و امیدوارم تجربه من بتواند به همه ما کمک کند تا بهتر بفهمیم چطور به ایران کمک کنیم. مثل تک‌تک شما دلیل اصلی بودن ما در اینجا تمایل قلبی برای این است که ببینیم روزی مردم ایران زندگیشان را آن‌طور که می‌خواهند در آزادی بگذرانند.

در مورد تهدیدی که درحال‌حاضر از جانب رژیم وجود ایران دارد و پاسخهای بالقوه، خوب است ابتدا تعریف کنیم تهدید چیست. از نظر نظامی توانایی ضربه‌زدن و بعد تصمیم به انجام آن است.

آیا رژیم کنونی ایران یک تهدید است؟ قطعاً به منطقه نگاه کنید. آنها سلاح و دستورالعمل و بعضاً نیرو به عراق و افغانستان می‌فرستند تا مشخصاً برای دولتهای این کشورها ارتقادادن دموکراسی را دشوار کنند، به‌طور مشخص آمریکاییها و شرکای ائتلافمان را بکشند و اراده خود را روی همسایگانشان تحمیل کنند.

افراد عملیات ویژه آنها و حمایتشان از حزب‌الله در لبنان، آن منطقه شکنجه‌شده را برای زندگی بسیار دشوار می‌کند و یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز را بسیار مشکلتر می‌کند. نیروهای متعارف آنها و صدها قایق کوچک و سریع تهاجمی که می‌توانند تاکتیکهایی علیه حملات نظامی و تجاری در تنگه هرمز باشند.

موشکهای کروز و بیش از ۲۰۰۰فروند از انواع موشکها که آنها دارند و برخی از آنها بیش از ۲۰۰۰کیلومتر برد دارد، همگی تهدیداتی آنها در کادر حق خودشان قدرت هسته‌یی می‌شوند؟ بعد چه اتفاق خواهد افتاد وقتی این رژیم، تمایلش را برای تامین پول و صدور سلاح به سایر کشورها یا بدتر سازمانهای تروریستی نشان داده است؟ این مسأله تهدید عظیمی برای همه ماست.

پاسخهای محتمل ما چه هستند؟ اولاً احتمال یک پاسخ نظامی وجود دارد. این بدترین انتخاب و قطعاً آخرین انتخابی است که ما باید درمورد آن فکر کنیم ولی اگر می‌خواهید یک توانایی برای صحبت با رژیم کنونی داشته باشید و اگر می‌خواهید اعتباری داشته باشید باید یک توانایی نظامی و تمایل استفاده از آن در زمان مناسب را داشته باشید.

بنابراین مهم است که بدانیم که ارتش آمریکا کاملاً قادر به برخورد با هر تهدید جدیدی است.

برخی افراد بین تمایل ما برای نجنگیدن و فشار واقعی روی نیروهایمان که سالها استقرار در عراق و افغانستان روی آنها وارد کرده و ازطرف دیگر توانایی حفاظت از خودمان سردرگم هستند.

امروز کمویشن حدود ۲۰۰هزار نیروی آمریکایی در منطقه خلیج فارس خدمت می‌کنند. این ۲۰۰هزار از مجموع ۲،۴ میلیون نیروی فعال و ذخیره است.

آیا آنها تحت فشار هستند؟ قطعاً هستند. آیا آنها برای نه ده سال گذشته روی آن کار کرده‌اند؟ بله. آیا آنها حاضرند به کشور خود خدمت کنند؟ بله حاضرند.

اساساً اگر تهدیدی برای ایالات متحده آمریکا پیش بیاید آیا این کشور قدرت و توانایی این‌که در مورد آن کاری بکند دارد؟ پاسخ این است: قطعاً.

بیش از دو میلیون پرسنل نظامی آمریکایی وجود دارد. تمامی نیروی دریایی و هوایی آمریکا و همه عناصر دیگر قدرت ملی ما وجود دارد. زشت خواهد بود که ما مجبور باشیم نیروی ارعاب‌کننده‌مان را استفاده کنیم، چون بسیاری از سلاحهای دقیق و ادوات اطلاعاتی با دقت بالا که موردنیاز هستند همین حالا به‌کار گرفته شده‌اند ولی هیچ دشمن بالقوه‌یی هرگز نباید تفاوت بین عملیات جاری و تمایل ما برای بیش از حد فشارنیاوردن به نیروهایمان و تمایلمان برای استفاده از ابزار نظامی به‌عنوان آخرین حربه را با توانایی استفاده از آن اشتباه بگیرد.

بنابراین راه‌حل نظامی که باید روی میز باشد مهم است. باید اعتبار داشته باشد ولی درواقع باید آخرین چیزی باشد که شما به‌آن متوسل خواهید شد.

نکته بعد مذاکرات است. کل برنامه هسته‌یی ایران در طول مذاکرات پیش رفته است. مهم است که به صحبت‌کردن ادامه دهیم ولی من نمی‌بینم که حکومتی که مصمم است سلاح هسته‌یی داشته باشد با مذاکرات متقاعد شود.

حالا به این می‌رسیم که چرا همه ما در این سالن هستیم؟ قیام مردم، اشاره شد که مصر و همه قیامهایی که در سراسر منطقه جریان دارد هم امید و هم خطرات زیاد در بر دارند. شکی نیست که مردم مصر این فرصت را به‌دست آورده‌اند که قانون اساسی خودشان را بنویسند، آن‌طور که می‌خواهند در داخل کشور خود در آزادی زندگی کنند و شکی نیست که نیروهایی هستند ازجمله رژیم کنونی ایران که می‌خواهند این برنامه را بدزدند. همان‌طور که باز اشاره شد نیروهای مسلح مصر و پلیس مصر حمایت‌کننده بودند و سرکوبگر تمایل واقعی مردم مصر نبودند. در تهران ماجرا متفاوت است. در نتیجه این گردهمایی بسیار مهم است.

من می‌دانم که موضوع مجاهدین برای همه شما حیاتی است. من سعی کردم بفهمم چرا دولت من کماکان مجاهدین را دربلیست نگهداشته است. من دلیلی نیافته‌ام که من را متقاعد کند.

ده مادیه‌یی که امروز خوانده شد عالی هستند. اگر من یک شهروند ایرانی بودم، از آن حمایت می‌کردم و قطعاً به‌عنوان یک شهروند جامعه جهانی از هرکدام از آن نکات حمایت می‌کنم.

برخی افراد این هفته به من گفتند که اگر آمریکا مجاهدین را از لیست خارج کند علامتی به رژیم ایران است که ما از تمایل برای دیدن تغییر رفتار به تمایل برای دیدن تغییر رژیم رفته‌ایم. پاسخ من به این: به نظر من این خوب است.

و دست آخر این‌که من این افتخار بزرگ را داشته‌ام که اونیفورم نیروهای مسلح آمریکا را برای بیش از ۴۴سال پوشیده‌ام. این یک منبع افتخار بزرگ برای من است که از قانون اساسی کشورم در مقابل همه دشمنان، خارجی و داخلی، دفاع کنم و در زندگی از اونیفورم بهترین صورتی که می‌توانستم به حفاظت از مردم آمریکا و همفکرانمان در سراسر جهان کمک کنم، ولی یک چیزی را به‌عنوان واقعیت می‌دانم و آن اینکه آن آزادی که من از آن دفاع کردم‌ام آزادی بوده که من آن را به ارث برده‌ام.

چرا واقعاً می‌خواستم امروز اینجا باشم؟ چرا چنین تحسینی نسبت به شما دارم؟ چرا همراه با ترس شهروندان ایران دیروز، امروز و فردا می‌ایستم که به‌رغم تهدید کشته‌شدن توسط نیروهای مسلح خودشان یا پلیس، به‌رغم تهدید مجازاتهای رژیم که به آسانی صورت می‌گیرد، به‌رغم این‌که آنها به این دلیل ساده که آنها می‌خواهند زندگی خودشان مثل آن‌طوری که من زندگیم را به ارث بردم زندگی کنند و به‌عنوان یک شهروند آمریکا و یک شهروند جهان بتوانیم با شما جمع شویم و به نوعی صدایمان در ایران شنیده شود که اگر ما از طریق اقدامات امروز و فردایمان بتوانیم آنهایی را که به آزادی دل بسته‌اند کمک و تشویق کنیم بعد همان‌طور که امروز اینجا اشاره شد،آزادی در ایران زودتر فرا خواهد رسید و این ارزش وقت‌گذاری امروز و فردای ما و هر روز تا زمانی که این محقق شود را دارد.

قیامهایی که در سراسر منطقه جریان دارد هم امید و هم خطرات زیاد در بر دارند. شکی نیست که مردم مصر این فرصت را به‌دست آورده‌اند که قانون اساسی خودشان را بنویسند، آن‌طور که می‌خواهند در داخل کشور خود در آزادی زندگی کنند و شکی نیست که نیروهایی هستند ازجمله رژیم کنونی ایران که می‌خواهند این برنامه را بدزدند

ارتشبد هیو شلتون

با گنجاندن مجاهدین در لیست، ما حمایت از بهترین مقاومت سازمانیافته داخلی علیه بزرگترین رژیم تروریستی و ضد دموکراتیک جهان را، تضعیف کرده‌ایم و این شرم‌آور است

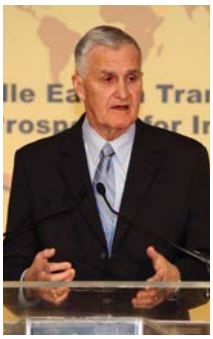

رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا
از سال۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱

همیشه برای من خوشحالی بزرگی است که در کنار گروهی از شهروندان متعهد باشم، شهروندانی که درباره هموطنانشان احساس تعهد می‌کنند و درباره آنچه که هم‌اکنون در ایران می‌گذرد و به‌خصوص کسانی‌که به‌شدت از ملاحظه پتانسیل تغییر خشنود هستند.

موضوعی که از من خواسته شده امروز مورد بحث قرار دهم «تغییر» است که موضوعی است بسیار پیچیده و قدری باعث نگرانی من، زیرا تغییر، کار دشواری است. سخت است، با چالش همراه است و مستلزم کار بسیار و سخت توسط افراد بسیار بسیار زیاد است.

مؤثرترین وسیله برای تحقق تغییر کدام است، کارآمدترین ابزار تغییر چیست؟ کدام راه از دیگر راهها کمتر مختل‌کننده است؟ سرانجام این‌که زمان مناسب کدام است؟ وقتی به ایران نگاه می‌کنم می‌گویم زمان مناسب همین الان است. همین امروز. از آنجا که در تغییر یکی دو حکومت دخیل بوده‌ام، می‌توانم به شما بگویم که این سخت‌ترین نوع تغییر است که نظیری ندارد. واقعاً چالش‌برانگیز است. اولین کاری که باید بکنید اینست که درست نگاه کنید و ببینید دشمن کیست؟

وقتی این کار را می‌کنم به یاد «سون سو» جنگجوی باستانی می‌افتم و این نقل قول از او: «اگر خودت را بشناسی و دشمنت را هم خوب بشناسی درهر رودرروییِ پیروز خواهی بود. اگر خودت را بشناسی و دشمنت را نشناسی، برای هر پیروزی یک شکست هم نصیبت خواهد شد. اما اگر نه خودت را بشناسی و نه دشمنت را، پس ابلهی بیش نیستی که در هر رویارویی شکست خواهی خورد».

وقتی من به موضوع تغییر در ایران فکر می‌کنم می‌بینم ما می‌دانیم دشمن کیست و در این باره چند دقیقه‌یی صحبت خواهم کرد. اما اول بگذارید یک نگاه سریع به مصر بیندازیم.

درنتیجهٔ وقایع اخیر، هیجان و اشتیاق زیادی در سراسر جهان از بابت بحث تغییر برانگیخته شده است. این به‌خصوص در خاورمیانه مصداق دارد. تقریباً در تمام موارد به این دلیل است که در این کشورها مردمانی تحت ستم زندگی می‌کنند، ناراضیانی که زندانی می‌شوند. می‌بینید که از شیوه‌ها یا تکنیکهای دموکراتیک کمتر اثر و خبری هست. شکنجه، کشتن و حبس اموری پیش‌پا افتاده است و معمولاً یک جنبش مقاومت هم در این کشورها هست.

درمورد کشورهای خاورمیانه که من به‌خصوص دخیل بوده‌ام، وقتی خوب نگاه کنید، عنصر بنیادگرایی یا افراطی‌گری را می‌بینید که تقریباً در تک‌تک این کشورها حضور دارد. این فرصتی است که رژیم فعلی ایران برای کنترل تغییر به‌نحوی‌که امکان کنترل منطقه را به آن بدهد در دسترس خود می‌بیند.

وقتی من به رویدادهای مصر امروز نگاه می‌کنم، می‌دانم عناصری رسانه‌یی وجود دارد که بسیار مثبت است و هیجان زیادی هم ایجاد کرده است. همه ما خوشحالیم از این‌که می‌بینیم مردم مصر از یوغ آنچه که الان معلوم شده یک رهبر ستمگر بوده رها شده‌اند، اما درعین‌حال به‌نظر من باید نگران هم باشیم و من به نوبه خود از آنچه آینده برای ما ذخیره کرده است، نگرانم.

تمام کشورها نمی‌توانند الگویی را که در مصر شاهدش بودیم پیاده کنند، زیرا در مصر کسانی‌که مسلح بودند، یعنی نیروهای مسلح یا ارتش از مردم حمایت کردند. ارتش در مصر نهاد مورد احترامی بوده و هنوز هم هست. ارتشیان کاملاً مصمم بودند با خودداری از به‌گلوله‌بستن مخالفان رژیم، از مردم خود حمایت کنند، کاری که حکومت ایران امروز انجام می‌دهد(و مردم را سرکوب می‌کند).

از دید من مردم ایران با وجود رژیم فعلی نمی‌توانند وضعیتی بدتر از این داشته باشند. امروز ایران از وجود رژیمی رنج می‌برد که ملغمه‌یی است از تئوکراسی و اتوکراسی که هم‌چنان جامعه بین‌الملل را نادیده می‌گیرد و از آن سرپیچی می‌کند. به اعتقاد من، مردم ایران چه آنها که امروز در داخل کشور هستند و چه آنها که در تبعید و در خارج کشور زندگی می‌کنند، همگی خواستار تغییر هستند و آنهم نه فردا بلکه همین امروز.

تنها یک استثنا وجود دارد که یک استثناء بزرگ هم هست و آن افراد مسلح خود رژیم است که کنترل را در دست دارند، کسانی که از کنترل قدرت لذت می‌برند و حاضر نیستند هیچ تغییری درحکومت روی دهد. چون خودشان از آن بهره‌مند می‌شوند و کسانی هستند که از رژیم کنونی سود می‌برند و صورت مسأله همین جاست. تغییر در ایران به‌خاطر این واقعیت که بزرگترین و سازمانیافته‌ترین مقاومت دربرابر رژیم کنونی ایران که سازمان مجاهدین خلق باشد در لیست گذاشته شده، بسیار پیچیده‌ترشده است.

سفیر دیلی هنگامی که برسر کار بود، توصیه کرد آنها را از لیست خارج کنند. اما به توصیه وی عمل نشد که به‌نظر من یک اشتباه بود، اشتباهی که من فکر می‌کنم ما باید به فوریت تصحیح کنیم. نه فردا، همین امروز.

سفیر دیلی در آن هنگام هدف را درست دیده بود و امروز هم درست هدف گرفته است. ما باید بجنبیم. رژیم فعلی ایران بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان است.

نیروهای آمریکایی هر جا که ما در بیست‌وپنج سال گذشته رفته‌ایم، با گروههای اپوزیسیون برخورد داشته‌اند. دوستان و متحدان ما درخاورمیانه از رژیم فعلی ایران واهمه دارند و من این را در کلیه سفرهایی که به منطقه داشتم دیدم و هنوز هم در مکاتباتی که با کسانی در منطقه دارم می‌بینم.

اما با قراردادن سازمان مجاهدین خلق در لیست ما باعث تضعیف حمایت از سازمانیافته‌ترین گروه مقاومت داخلی در برابر تروریست‌پرورترین، ضدغربی‌ترین و ضددموکراتیک‌ترین رژیم درمنطقه و جهان شدیم. این واقعاً شرم‌آورست و از آن بدتر وقتی عراقیها به کمپ اشرف حمله کردند و ایرانیان غیرمسلح را کشتند، کنار ایستادیم، افرادی که ایالات متحده به آنها قول حفاظتشان را داده بود.

روشن است که رژیم فعلی ایران حکومتی است که باید تغییرکند. سازمان مجاهدین سازمانی است که آنها از آن وحشت دارند و همین نکته باید برای ما گویای بسیاری چیزها باشد. وقتی می‌بینید مواضع سازمان مجاهدین را که ضد اتمی است، هوادار جدایی دین از دولت و حقوق فردی است، آشکاراست که سازمان مجاهدین راهی است که مردم ایران نیاز دارند آن را بروند.

این‌که چرا ما به‌دوستانمان ملحق نشدیم به متحدان اروپاییمان و شریک بزرگمان انگلستان و آنها را از لیست خارج نکردیم، از توان درک من خارج است. من مطلع هستم که بر اساس امیدی مجاهدین را در لیست قرار دادند، به امید این‌که با اعلام مجاهدین به‌عنوان سازمان تروریستی، خودمان را نزد رژیم عزیز خواهیم کرد و لذا می‌توانیم با این رژیم از نزدیک کار کنیم. تلاش زیادی صورت گرفت اما نتیجه‌یی نداد. اما متحدان اروپایی ما مراقب بودند که بی‌نتیجه نماند و به‌سرعت جنبیدند وآنها را از لیست خارج کردند.

من معتقدم شخص هیلاری کلینتون یک وزیرخارجه عالی است. اما درمورد کسانی که در وزارت خارجه زبردست او هستند یعنی همانها که توصیه‌ها می‌نویسند که به‌دست وزیر می‌رسد چه کسی را گول می‌زنند؟ کار را تمام کنید دیگر. توصیه لازم را به‌دست وزیر برسانید. این کار را بکنید دیگر.

سازمان مجاهدین سازمان بی‌عیب و نقیص نیست. اشتباهاتی کرده است. ما هم کرده‌ایم. اما به نظر من خوب که فکر کنید، سازمان مجاهدین را در یک تصویر بزرگتر نگاه کنید، امیدی به مردم ایران ارائه میدهند که به مراتب از آنچه ما یا متحدانمان می‌توانیم ارائه کنیم، به استثناء مداخله مستقیم که در این نقطه منتفی است، فراتر می‌رود.

من فکر می‌کنم همه آنهایی که در این‌جا هستند و من که افتخار این را دارم که درمیان شما هستم، دعای همه ما اینست که شاهد برقرارشدن دموکراسی در ایران و در خاورمیانه باشیم اما به‌نحوی که تضمین‌کننده صلح و ثبات باشد و بتوانیم این ثبات را در سراسر منطقه حفظ کنیم و این امید را داریم که سازمان مجاهدین از لیست خارج شود تا بتواند به تلاشهایش برای تحقق تغییر در ایران برای مردم ایران ادامه دهد. بسیار متشکرم.

سناتور باب توریسلی

سازمان مجاهدین خلق ایران درچارچوب یک استراتژی استمالت درقبال حکومت تهران درلیست قرارداده شد. اما این سیاست شکست‌خورده و اکنون زمانِ آن فرا رسیده که به‌آن کاملاً پایان داده شود

سناتور از نیوجرسی
از سال ۱۹۹۷تا ۲۰۰۳

اکنون موج عظیم و بلندی از امید و عطش آزادی به سواحل ایران نزدیک می‌شود. آنچه زمانی ناممکن می‌نمود، اکنون به نوعی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

در شرایطی که دانشجویان قرار است فردا بار دیگر در تهران تجمع کنند، شایسته است خانم وزیر امور خارجه، هیلاری کلینتون که صدای قاطع او در مصر شنیده شد، بار دیگر و درشرایطی که تظاهرکنندگان در تهران تجمع می‌کنند، موضع آمریکا را به‌روشنی بیان کند.

مخالفت ما با حکومت تهران فقط به این دلیل نیست که آمریکا را به چالش می‌گیرد یا با نقض قوانین موضوعه دنیا به یک باغی بین‌المللی مبدل شده، بلکه به این دلیل است که به مردم خود خیانت می‌کند، و به‌این دلیل است آنها انقلاب ایران را به یک دروغ مسخره مبدل کرده‌اند.

کشور ما ثابت کرده است که ارزشهای والایی برای دوستانمان قائل است. این پس از آنچه در مصر روی داد، روشن شده است. در روزهای آینده، این امید و اعتقاد من است که پرزیدنت اوباما و خانم وزیر کلینتون این را نیز روشن خواهند کرد که ارزشهای مزبور به تمام رژیمها اعم از ضعیف یا قوی، دوست یا دشمن ما قابل اطلاق است.

در این مبارزه همه ما مسئولیتهایی داریم. هرکس نهایتاً مسئول اعمال دولت خود است، نظام سیاسی هرچه می‌خواهد باشد. ما به‌عنوان آمریکایی نقشی داریم. این دیگر یک حداقل است که یک بی‌عدالتی بزرگ را ترمیم کنیم. ما همه می‌دانیم و درک می‌کنیم حقیقت کدام است. سازمان مجاهدین خلق تحت عنوان یک استراتژی استمالت در قبال رژیم ایران در لیست قرار داده شد.

اما این سیاست شکست خورده و اکنون زمان آن فرارسیده که به آن پایان داده شود.

موضوع فقط بی‌عدالتی نیست. بلکه این وضعیت خود، لیست را پوچ و مسخره می‌کند.

آری ما همگی نقش خودمان را در این مبارزه داریم. آنچه در مصر روی داد به این سادگیها در تهران اتفاق نخواهد افتاد. ممکن است ازدست‌رفتن جانهایی اجتناب‌ناپذیر باشد. اما کسی از ما نخواسته جانمان را بدهیم. فقط باید به دفاع از حقیقت برخیزیم و این بی‌عدالتی را ترمیم و تصحیح کنیم.

مردم آمریکا، چه ایرانی‌تبار و چه غیرایرانی‌تبار، حق دارند تجمع کنند و صدایشان شنیده شود. ممنوعیت سازمان مجاهدین خلق نقض آن حق است و به واقع حکومت تهران را دلگرم می‌کند و ایالات متحده را در طرف ناحق تاریخ قرار می‌دهد.

برای تصحیح و جبران اشتباه وقت هست.

اتحادیه اروپا پیش ازاین، اقدام به تصحیح این بی‌عدالتی کرده است. دادگاه استیناف ایالات متحده آمریکا خواستار بازبینی شده است. اکثریتی از اعضای کنگره خواستار تغییر سیاست شده و در هفته‌های اخیر، جمعی از برجسته‌ترین رهبران نظامی، امنیت ملی، دیپلوماتیک و سیاسی نسل ما، دموکرات و جمهوریخواه، به این مجموعه پیوسته‌اند. این واقعاً خیره‌کننده است.

در جنبش حقوق مدنی در آمریکا ترجیح‌بندی بود که پس از این همه سال مبارزه و یأس و نومیدی و تلاشهای ناموفق در گذشته جهت تصحیح و ترمیم این بی‌عدالتی مرتب به ذهنم می‌رسد و آن، این عبارت است: «برای کار درست، هیچ‌گاه دیر نیست».

برای کسانی‌که در گذشته در قبال حکومت تهران سکوت کرده‌اند، برای کسانی که این بی‌عدالتی را روا داشته‌اند و برای کسانی‌که هیچ نقشی ایفا نکرده‌اند، اکنون زمان عمل فرا رسیده است.

ما امروز افتخار داریم که این بحث را اینجا شروع می‌کنیم تا پرتو بیشتری بر این موضوع بتابانیم و در این راه یک گروه سخنران برجسته با ما همراهند.

کنفرانس واشینگتن «خاورمیانه در حال گذار: چشم اندازها برای ایران»

لی هامیلتون

آمریکا باید تأکید کند که دولت عراق به تعهدات خود درقبال حفاظت از اشرف عمل کند. بسیار مهم است که ما به‌طور خاص تحریمهایی را ارتقا دهیم که مربوط به‌جریان پول و نهادهای مالی می‌شوند. اقدام بعدی که ما باید انجام دهیم حمایت از اپوزیسیون ایران است

رئیس کمیته خارجی کنگره آمریکا از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵

قبل از هر چیز، اولاً خوشحالم که در این جمع متشکل از افراد بسیار برجسته هستم. ثانیاً من افتخار می‌کنم که به‌خاطر شما در اینجا باشم. من ایستادگی شما برای دستیابی به آزادی برای مردم ایران را تحسین می‌کنم. می‌دانم که بسیاری از شما وابستگی عمیقی به مردم ایران دارید و مسائلی که امروز مدنظر ماست و ما به‌سادگی آنها را مطرح می‌کنیم برای شما از ژرفای بسیار زیادی برخوردار است.

ایالات متحده چندین دهه است که با دشواریهای فوق‌العاده‌ای در زمینه برخورد با رژیم ایران مواجه شده است. رژیم ایران تنشهای بزرگی را در جامعه بین‌المللی در مدت زمانی طولانی ایجاد کرده است. البته به مرور تمام جهان بسیار بر روی این موضوع متمرکز شده است که رژیم با مواد اتمی چه خواهد کرد.

من همانند شما در روزهای اخیر گزارشهای اطلاعاتی دولت ایالات متحده را مطالعه کردم. شاید سایرین در این پنل بتوانند بهتر از من در رابطه با آنها نظر دهند اما برای من مهم این گفته بود که رژیم مصمم است برنامه هسته‌یی خود را دنبال کند و گامهایی را برای طراحی کلاهکهای هسته‌یی برداشته است.

اجازه بدهید چند پیشنهاد ارائه دهم:

ما باید تأکید کنیم که دولت عراق تعهدات خود نسبت به حفاظت از ساکنان اشرف را برآورده سازد. من با چند تن از شما در روزهای اخیر در رابطه با شرایط آنجا صحبت کردم. شما به من اطلاعاتی در رابطه با آنچه در آنجا گذشته ارائه داده‌اید. امنیت و سلامت ساکنان اشرف باید تضمین شود و آمریکا باید در رابطه با آن تأکید ورزد.

ثانیاً همانطور که همگی ما منفق‌القول هستیم، ما باید از تحریمها حمایت کنیم و آنها را افزایش دهیم. ما از سال۱۹۷۹ و جامعه جهانی نیز دیری است که علیه رژیم ایران تحریم اعمال کرده‌ایم. شکافها باید بسته شوند و این تحریمها باید افزایش یابند.

به نظر من بسیار مهم است که ما به‌طور خاص تحریمهایی را ارتقا دهیم که مربوط به‌جریان پول و نهادهای مالی می‌شوند. اقدام بعدی که ما باید انجام دهیم :حمایت از اپوزیسیون ایران است.

من هم مثل شما بیش از اندازه تحت‌تأثیر جنبشهای اعتراضی هستم که سراسر خاورمیانه را دربرگرفته است و بسیار آگاهم که روزهای اینده برای اینده ایران جنبه حیاتی دارد.

آمریکا باید این را به‌عنوان یک فرصت ببیند که در دفاع از ارزشهای بنیادین کشور ما ازجا برخیزد. ما باید از مردم ایران که خواهان آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق بشر هستند حمایت کنیم.

به‌نظر من بهترین امکان برای ایالات متحده که در روابط خود با مردم ایران: پیشرفت کند حمایت از اپوزیسیون ایران از طرق کاملا مشخص است. هم‌چنین هیچ‌گاه نباید از حمایت خود از حقوق بشر دست برداریم.

سفیر دل دیلی

ایستادن در کنار اپوزیسیون ایران، مجاهدین خلق، یک وزنه تعادل نیرومند علیه رژیم است

مسئول بخش ضدتروریسم وزارت خارجه آمریکا از سال ۲۰۰۷تا۲۰۰۹

برای من جای افتخار ویژه دارد که در واشینگتن با چنین رهبران برجسته‌یی در مورد این موضوع پراهمیت بین‌المللی، منطقه‌یی و به‌طور ویژه مربوط به آمریکا تبادل‌نظر کنم.

در زمانبندی این کنفرانس هیچ نقصی وجود ندارد. شرایط در اشرف و در منطقه خاورمیانه دستخوش تغییرات قابل‌توجهی شده‌اند آن‌چنان که لغو نامگذاری را به‌طور روشن توجیه می‌نماید.

اما در منطقه خاورمیانه به‌طور خاص در تونس تیک‌تاک ساعت شنیده شد، در مصر تیک‌تاک ساعت شنیده شد و در ایران نیز تیک‌تاک ساعت شنیده می‌شود.

حضور ما امروز در اینجا نیز ضروری است چرا که زمان از اهمیت حیاتی برخوردار است. شاهد این ادعا ۳۴۰۰ مرد و زن در اشرف و آسیب‌پذیری آنان در آینده است. این آسیب‌پذیری نتیجه عملکرد آمریکا و اعضای کشورهای عضو ائتلاف (در عراق) و پیشرفت در عادیسازی روابط با عراق پس از صدام حسین است. اما ایجاد حاکمیت به‌طور روزافزون نباید از جیب ساکنان کمپ اشرف پرداخت شود. بازیگران منطقه‌یی، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و ایالات متحده باید بر روی دولت عراق فشار آورند تا با ساکنان کمپ اشرف به‌طور شرافتمندانه، با مبالات و همراه با احترام رفتار کند. یک موضوع مهم نگرانی، وضعیت انسانی اشرف است. این شرایط منزجرکننده است و باید بهبود یابد. حملات پیاپی پلیس عراق در نوبتهای زیادی تکرار شده‌اند: ژوئیه۲۰۰۹، اکتبر۲۰۱۰، نوامبر ۲۰۱۰، ژانویه۲۰۱۱ و فوریه۲۰۱۱ و منجر به مصدومیت و تعدادی تلفات جانی نیز شده‌اند. آنچه بیشتر از هرچیز غیرقابل قبول است محدودیتهایی است که بر روی ساکنان کمپ اشرف در رابطه با برخورداری از خدمات پزشکی اعمال شده است. برای مثال، محدودنمودن دسترسی به پزشکان متخصص و جلوگیری از دسترسی به‌بیمارستان در برخی نمونه‌ها. به این موضوع پخش مستمر تبلیغات توسط ۱۸۰ بلندگوی قوی به درون کمپ را اضافه کنید که منجر به ایجاد شرایطی می‌شود که زندگی را در آنجا فی‌الواقع غیرممکن می‌سازد. این حملات غیرانسانی باید خاتمه یابند و از تکرار آنها پرهیز شود.

رژیم ایران کینه خود از این کمپ و ساکنان آن را به تازگی با اعدام چند تن که به اشرف سفر کرده بودند نشان داد.

ساکنان کمپ اشرف و مجاهدین بهترین وزنه تعادل علیه تروریسم و برنامه اتمی رژیم ایران به حساب می‌آیند. نباید اجازه داد که رژیم ایران که یک دولت حامی تروریسم بین‌المللی است و از ترور در افغانستان و خاورمیانه و عراق حمایت می‌کند مبدل به یک تهدید اتمی بشود. سازمان مجاهدین روابط، درک واشراف و آگاهی فرهنگی و یک کارنامه اثبات‌شده در رابطه با افشای اطلاعات مربوط به مسائل ناشناخته در مورد رژیم ایران برای جامعه جهانی و آمریکا دارد. هیچ سازمان داخلی یا خارجی دیگری وجود ندارد که این‌قدر در دستیابی به چنین اطلاعاتی مؤثر باشد.

ایستادن در کنار اپوزیسیون ایرانی مجاهدین یک وزنه تعادل نیرومند علیه رژیم است و تا امروز میزان موفقیت خود را نشان داده است. این اپوزیسیون هدف مهمی برای ملایان ایران به‌شمار می‌رود. رژیم با تعصبی خاص به‌دنبال شکار مجاهدین در ایران و احتمالا در عراق است.

مجاهدین و اپوزیسیون ایران بهترین گزینه‌ها در داخل ایران برای سرنگونی ملایان هستند. هیچ‌کس توقع قیام در تونس، مصر، لیبی، بحرین، و یا یمن را نداشت، اما با شگفتی این اتفاقات به‌وقوع پیوستند. مردم ایران که در تاریخ اخیر کشور خود در سال ۱۹۷۹ حاکمان را سرنگون کرده‌اند، توانایی پاسخگویی دارند.

نکته دوم من در مورد لغو نامگذاری مجاهدین از لیست آمریکاست. متحدین ما، هم اتحادیه اروپا و انگلستان، نام مجاهدین را از لیستهای مشابه خود حذف کرده‌اند. بنابراین نامگذاری باید لغو شود. به‌جاست که وزیر امور خارجه خانم کلینتون، در اسرع وقت این نامگذاری شرم‌آور را که به‌روشنی یک اشتباه دردناک است جبران کند.

در آخر و مهمتر از همه، شرایط برای نگهداری نام مجاهدین در لیست به‌طور قابل‌توجهی تغییر پیدا کرده آن‌گونه که لغو نامگذاری را موجه می‌سازد. این شرایط بسیار واضح و روشن است. افزایش قابلیتهای اتمی رژیم از شمار آنها است، آن‌گونه که ناسازگاری، گستاخی، و عدم‌تمایل به مذاکرات ماه گذشته در استانبول نشان داد. هیچ زمانی بهتر از زمان حال برای بازبینی نامگذاری توسط خانم کلینتون وجود ندارد. تمامی جنبشی است که تنها خواستار آزادی برای پیش‌بردن اهداف دموکراتیک است».

قاضی مؤکیزی تأکید نمود که «وزارت‌خارجه، مجاهدین خلق را در لیست سازمانهای تروریستی نگه می‌دارد. تاثیر این اقدام کنارزدن بزرگترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه اپوزیسیون ایران، که ملاهای حاکم از آن می‌ترسند، از مباحثه سیاسی است».

آقای همیلتون تأکید کرد، "به عقیده من بهترین فرصت برای آمریکا جهت پیشرفت در رابطه با ایران حمایت از اپوزیسیون در ایران است. البته ما باید تأکید کنیم که دولت عراق باید به تعهد خود برای حفاظت از آنهایی که در اشرف بسر می‌برند، پایبند باشد»...

این مقامات به تعداد فزاینده‌یی از مقامات سابق از هر دو حزب، از جمله وزیر دادگستری تام ریج، رودی جولیانی، سفیر جان بولتون، جیمز وولسی، لوئیس فرخ، فرانسیس تاوزند و میشل ریس، ملحق شده‌اند که خواستار خارج کردن مجاهدین خلق از لیست می‌باشند.

بیل ریچاردسون

رخدادهای خاورمیانه، عطش برای آزادی و دموکراسی و برای سرنگون کردن دیکتاتورهایی است که آزادی مردم را محدود کرده اند. در رابطه با ایران، اولین قدم حذف مجاهدین خلق ایران ازلیست است... حفاظت اشرف بسیار دست‌یافتنی است و ما باید برای انجام آن کار کنیم

کاندیدای ریاست جمهوری
وزیر انرژی آمریکا
از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱

مایلم بگویم نماینده کنگره توریسلی، سناتور باب توریسلی ـ ما او را مشعل می‌نامیدیم. به‌خاطر این‌که یک مبارز خستگی‌ناپذیر برای حقوق بشر و دموکراسی بود.

می‌خواهم به شما بگویم چقدر مفتخرم که در بین این گروه از رهبران از هر دو حزب هستم.

من فکر می‌کنم اگرچه همه ما دارای نقطه‌نظر حزب سیاسی خاصی هستیم ولی وقتی به‌موضوع حقوق بشر و امنیت ملی برخورد می‌کنیم بسیار بهتر است که به‌صورت دوحزبی برخورد شود و تنها کاری که باید بکنید این‌که به چپ و راست خود نگاه کنید، رهبران ممتازی که در اینجا حضور دارند. اهمیت آنچه را که ما امروز درباره آن صحبت می‌کنیم مشخص می‌کنند.

من به این دلایل خوشبین هستم. اول این‌که حوادث خاورمیانه اعم از این که هر نظری در مورد آن داشته باشید، طبیعتاً عطش برای آزادی و دموکراسی است. در تلاش برای سرنگون‌کردن دیکتاتورها که آزادی مردم و مطبوعات را محدود می‌کنند. آیا یک انقلاب تکنولوژیک است؟ بله.

تکنولوژی ارتباطات بین افراد، نفقط در داخل مصر بلکه در خاورمیانه، شما ارتباط بین جوانان مصر و تونس را دیدید و شما احساس می‌کنید که این ابزار قدرتمند تکنولوژیک به مخالفت دامن زده و پایان رژیمها را ممکن کرده است. شما آن را در بحرین می‌بینید اگر چه مسائل فرقه‌یی هم وجود دارد، شما آن را در سایر کشورهای خاورمیانه می‌بینید و در ایران می‌بینید و من مثل آنچه سفیر و سناتور گفتند از پاسخ دولتم خشنود هستم.

ما باید با کشورهای خاورمیانه در مبارزه با تروریستها همکاری کنیم. منافع امنیتی بسیار زیادی وجود دارد که باید با آنها برخورد کنیم ولی وقتی به امنیت برمی‌گردد، وقتی به موضوع آزادی و دموکراسی بر می‌گردد، شما باید یک توازن برقرار کنید و نهایتاً باید یکی را نسبت به‌دیگری انتخاب کنید.

فکر می‌کنم یک اتفاق‌نظر دو حزبی داریم که آزادی و دموکراسی ارزشهایی هستند که ما بیش از همه چیز در آمریکا باید برای آن بایستیم.

به این دلیل است که احساس می‌کنم این جنبش، جنبش ماست، آنچه در خاورمیانه اتفاق افتاده به معنی این است که جنبشی که من اعتقاد دارم همه در آن سهیم هستیم، نیرو گرفته است. شما می‌توانید در یک کمپین سیاسی آن را احساس کنید. من یکی از آنهایی هستم که یک کمپین را پیش بردهام. ضمناً خوشحالم که لی همیلتون را می‌بینم. من وقتی نماینده کنگره بودم همه می‌گفتند اگر می‌خواهی بدانی در خاورمیانه چه اتفاقی دارد می‌افتد به لی همیلتون گوش کن بنابر این من به لی گوش خواهم کرد.

من این شتابگیری را از آنچه در خاورمیانه دارد اتفاق می‌افتد، در ایران دارد اتفاق می‌افتد و ماهیت سرکوبگر رژیم ایران در پاسخ به تظاهرکنندگان حس می‌کنم. شما می‌توانید ببینید که چیزی به‌زودی اتفاق بیفتد و من به این دلیل خوشحال هستم.

من از اینکه فرصت پیدا کردم تا در این جمع متشکل از شخصیتهای برجسته حضور پیدا کنم بسیار سپاسگزارم.

بنا به دلایلی که برخی از سخنرانان و مخصوصاً لی همیلتون به آنها اشاره کرده اند، قابلیت تسلیحات اتمی برای رژیم ایران تهدید بسیار جدی برای منافع بنیادین ما ایجاد خواهد کرد. تحریمها امیدوار کننده است، اما به‌دلایل مختلف از احتمال موفقیت کمی برخوردار بودند. بنابراین از این پروسه حذف گزینه‌ها به‌طور منطقی می‌توان استنتاج نمود که اگر، همانطور که ژنرال هیدن گفت، و به عقیده من نظر او صحیح است، این رژیم قابلیت راها کردن امیال تسلیحات اتمی خود را به‌طور داوطلبانه ندارد، بنابراین چیزی باید در داخل ایران تغییر پیدا کند و سیاستها و اعمال آنها در رابطه با تسلیحات اتمی نیز دستخوش تغییر شود. و بهترین گزینه، تغییری است که به دست خود مردم ایران صورت گیرد.

بدین معنی که تغییر باید از داخل ایران انجام شود. اگرچه آمریکا نمی‌تواند آن را هدایت کند اما فکر می‌کنم باید، همانطور که فرماندار ریچاردسون گفت، در طرف درست بایستد و نشان دهد که در طرف درست ایستاده است.

به عقیده من گزینه نظامی اگرچه نمی‌تواند از روی میز برداشته شود باید چیزی باشد که ما در رابطه با آن آمادگی عمل جدی داشته باشیم.

معنی این حرف این است که ما باید راهی پیدا کنیم که سیاست حاکمان ایران را تغییر دهیم. بهترین شانس برای فراهم‌آوردن این نتیجه از مجرای تغییر داخلی است. مطمئناً من نمی‌توانم بگویم که این تغییر چگونه به‌وجود خواهد آمد.

والتر اسلوکومب

آمریکا متعهد شده است برای مجاهدان مستقر در اشرف حفاظت ایجاد کند. ما باید راهی پیدا کنیم که تضمین کند آن افراد حفاظت شوند. در این زمینه تعهداتی وجود دارد

معاون وزیر دفاع آمریکا
از سال ۱۹۹۴تا ۲۰۰۱

مذاکرات استانبول نشان داد که رژیم ایران علاقمند به مذاکرات نیست. آنها پیش‌شرطهایی گذاشتند که مذاکرات حمایت شده توسط اتحادیه اروپا را بی‌معنی می‌کرد. بنابراین دلیلی وجود ندارد که در حال‌حاضر آنچه مذاکره نامیده می‌شود را پیش ببریم وقتی اساساً چنین چیزی نیست. آنها می‌خواهند مسأله غنی‌سازی اورانیوم را از روی میز بردارند بنابراین شما حتی نمی‌توانید بحث کنید که درمورد چی مذاکره می‌خواهید بکنید.

مجدداً من این را اشاره‌یی به سیاستگذارانمان می‌بینم که مذاکرات کار نکرده است. حوادث خاورمیانه شتابگیری را نشان داد. پس بگذارید من نکته پایانیم را بگویم.

آن‌طور که من می‌بینم سه موضوع است که باید به آن پرداخته شود. اول موضوع از لیست خارج‌شدن است. این هیچ معنی ندارد. بر اساس شواهد، دادگاه استینفاف و من فکر می‌کنم وکیلی که بریف عالی را تهیه کرد این‌جاست، دادگاه استینفاف واشینگتن‌دی‌سی گفت که توجیه نامگذاری تروریستی روند منصفانه نداشته است. بنابراین اولین قدم از لیست خارج‌کردن است و این جایی است که امیدوارم همه بتوانیم با هم کار کنیم که این به‌زودی محقق شود. به‌زودی.

مسأله دوم و این یک خبر خوب دیگر است. شما احتمالاً در تعجب هستید که وقتی همه این سنگین‌وزنها می‌گویند ما باید مجاهدین را از لیست درآوریم و باید کاری راجع به کمپ اشرف بکنیم.

من تعهد عظیم اتحادیه اروپا بر سر این موضوع را دیدم. بنابراین من نمی‌گویم صبور باشید می‌گویم آنچه را که دارید انجام می‌دهید ادامه دهید ولی به‌صورت استراتژیک‌تر.

من فکر می‌کنم این بحث صورت گرفته است که این جنبشی است که پولی نمی‌خواهد. جنبشی است که سلاحی نمی‌خواهد. جنبشی است که تنها می‌خواهد اجازه داشته باشد که حرکت کند و کار دموکراتیک بکند. آیا تا به‌حال شنیده‌اید جنبشی درخواست پول نکرده باشد؟ من نشنیده‌ام. شما اولین آن هستید.

کمپ اشرف یک موضوع حقوق بشری است. این یک موضوع امنیتی است که افراد مناسب را برای امنیت این کمپ حرکت دهیم. افراد ما با دولت عراق کار می‌کنند که این تحقق یابد با ملل متحد فرمولی پیدا کنیم که امنیت و سلامت بسیاری از افراد خانواده‌های شما را محقق کند.

اوضاع به سمت ماست. شرایط خاورمیانه، مذاکرات استانبول، سخنرانی عالی وزیر خارجه کلینتون درباره ایران که مردمش درباره این موضوع می‌دانند. بنابراین دارد به‌خوبی پایان می‌یابد. من خوشوقتم که اینجا هستم. بسیار خوشحالم که با بسیاری از شما مرتبط هستم.

فکر می‌کنم فشارهای زیادی برای تغییر وجود دارد. ممکن است شکل و شمایلی را که در کشورهای دیگر وجود دارد به‌خود نگیرد اما به گمان من ضروری است که این اتفاق صورت گیرد.

هم‌چنین می‌خواهم به‌طور خلاصه به دو موضوع لغو نامگذاری مجاهدین و کمپ اشرف بپردازم. من فکر می‌کنم تنها کسی در این جمع باشم که به کمپ اشرف رفته باشم. کاملاً جدا از موضوع ماهیت مجاهدین، آمریکا متعهد شده است که برای افرادی که در آن کمپ هستند حفاظت ایجاد کند. ما باید به‌طریقی راهی پیدا کنیم که تضمین نماید آن افراد حفاظت می‌شوند. در این زمینه تعهداتی وجود دارد.

دوم این‌که به‌باور من در آمریکا سیستمی برقرار است که در آن قانون و استانداردهای حقوقی باید بر اساس فاکتها و حقایق اعمال شوند.

بحث بر سر حقایق است. آیا شاخص لیست‌گذاری را می‌توان در رابطه با مجاهدین به‌کار برد یا خیر؟ من به تمامی اطلاعات دسترسی ندارم. ولی اطمینان زیادی دارم که افرادی که درحال‌حاضر در وزارت امور خارجه درگیر این تصمیم هستند و نهایتاً خود وزیر امور خارجه برای کشف حقایق به این موضوع تعهد پرداخت و به عقیده من اگر آنها این کار را انجام دهند، عدالت برقرار خواهد شد. متشکرم.

مقامات ارشد سابق دولت آمریکا از اوباما می‌خواهند از مردم ایران حمایت کند و اپوزیسیون اصلی ایران را از قید و بند آزاد کند

بیزینس وایر، ۲۲ فوریه ۲۰۱۱

روز شنبه، تعدادی از مقامات ارشد سابق از دولت کنونی و نیز دولتهای کلینتون و بوش در کنفرانسی در واشینگتن با مردم ایران ابراز همبستگی کردند و از دولت اوباما خواستند در حمایت از میلیونها ایرانی که خواستار آزادی در ایران هستند یک سیاست فعال اتخاذ کند.

سخنرانان با بازگو کردن اظهارات وزیر خارجه کلینتون در ۱۴فوریه ۲۰۱۱ مبنی بر این‌که دولت اوباما «بسیار روشن و مستقیم از آرزوهای مردمی که در خیابانها هستند حمایت می‌کند»، گزینه سومی را پیشنهاد کردند، یعنی برقراری رابطه با مردم و اپوزیسیون سازمانیافته ایران، و لغو نامگذاری تروریستی جنبش اصلی اپوزیسیون ایران، مجاهدین خلق.

لی همیلتون، رئیس سابق کمیته امور خارجی مجلس نماینده دیلی با اشاره به اپوزیسیون ایران گفت: « ایستادن در کنار ایران‌سیون از طریق مجاهدین خلق یک وزنه تعادل قوی در برابر رژیم ایران است».

فرماندار ریچاردسون در بخشی از اظهارات خود گفت:«ما باید برای حفاظت اشرف کاری انجام بدهیم. این جنبشی است که پول نمی‌خواهد. این جنبشی است که سلاح نمی‌خواهد. این (۲۰۰۱-۱۹۹۷) از جمله سخنرانان بودند.

سناتور سابق نیوجرسی رابرت توریسلی مجری این برنامه بود. این برنامه با عنوان «خاورمیانه در حال گذار: چشم‌اندازها برای ایران؟» توسط شرکت اقدام اجرایی ترتیب داده شده بود.

سناتور توریسلی در سخنرانی افتتاحیه خود گفت، «موج فزاینده امید انسان و عطش برای آزادی دارد اکنون به سواحل ایران می‌رسد. آنچه زمانی غیرممکن می‌نمود دارد به نوعی اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند» و افزود، «تصحیح یک بیعدالتی حداقل کاری است که می‌توانیم انجام بدهیم. ما همه واقعیت را درک می‌کنیم. مجاهدین خلق به‌عنوان یک استراتژی برای استملاک از تهران در لیست تروریستی قرار گرفت. این استراتژی شکست خورد و اکنون زمان خاتمه دادن به آن است».

سفیر دیلی با اشاره به اپوزیسیون ایران گفت: « ایستادن در کنار اپوزیسیون از طریق مجاهدین خلق یک وزنه تعادل قوی در برابر رژیم ایران است».

اسلوکومب، معاون وزیر دفاع در امور سیاسی (۲۰۰۱-۱۹۹۴)؛ آدمیرال دل دیلی، هماهنگ‌کننده ضدتروریسم در وزارت‌خارجه (۲۰۰۷-۲۰۰۵) ؛ و ژنرال هیو شلتون رئیس ستاد مشترک

کنفرانس واشینگتن «خاورمیانه در حال گذار: چشم اندازها برای ایران»

مایکل موکیزی

ما باید بر تناقضی که در سیاستمان در رابطه با اپوزیسیون ایران نهفته است غلبه کنیم. لیست گذاری مجاهدین خلق، بزرگترین گروه اپوزیسیون ایران را که رژیم ملاها بیش از همه از آن می‌ترسد، محدود کرده است

وزیر دادگستری آمریکا
از سال ۲۰۰۷تا۲۰۰۹

در ماههای دسامبر و ژانویه در کنفرانسهایی در واشینگتن و اروپا من اشاره کردم که ما در یکی از آن لحظات تاریخی هستیم که می‌دانیم نسلهای آینده خواهند پرسید برای پیشبرد آنچه که خوب است و مقاومت در برابر آنچه شیطانی است چه‌کردیم.

حوادث حتی از فوری‌ترین شعارها پیشی گرفته‌اند و اینک در فاصله زمانی کوتاه نزدیک به دو هفته و شرایطی که ما امروز در آن هستیم حتی بیش از پیش فوریت پیدا کرده‌اند. مثل گذشته، بنیادگرایی ستیزه‌جو تمدنی را که ما می‌شناسیم، تهدید به نابودی می‌کند. و در مرکز آن تهدید، رژیم حاکم بر ایران قرار دارد. رژیمی که مردم خود را سرکوب می‌کند و همسایگانش و جهان را به‌طورعام، با دنبال‌کردن برنامه سلاحهای هسته‌یی که مکرراً گفته است در استفاده از آن اکراهی ندارد، تهدید می‌کند.

آنچه جدید است این است که در بخشهایی از جهان اسلام، تونس، مصر و اخیراً در بحرین، مردم ـ عمدتاً افراد جوان ولی در واقع کل جمعیت ـ برخاسته‌اند و خواستار آزادی شدند و در تونس و مصر در سرنگون‌کردن رژیمهایی که با هر معیاری خودکامه بودند، موفق شدند.

با این‌حال آن رژیمها در استفاده از توحش برای بقا، حد و حدودی داشتند و بنابراین رفتند.

ولی در کشورهایی که در استفاده از توحش برای سرکوب نارضایتیها حدودی وجود ندارد و رژیم ایران در رأس آن کشورهاست، داستان به‌آن‌اندازه خوشحال‌کننده نبوده است. دو هفته قبل، رهبر رژیم علی خامنه‌ای در سخنانی که به زبان عربی برای اطمینان از این که به مردم قاهره برسد، آنچه را که او «انفجار خشم مقدس» می‌نامید ستود و علیه هرگونه دخالت آمریکا در مصر هشدار داد.

او ادعا کرد که حوادث میدان تحریر گسترش طبیعی انقلاب۱۹۷۹ در ایران بود. او طبعاً شرمگین نبود که در سال۲۰۰۹ خودش دستور سرکوب قیام علیه انتخابات تقلبی در خیابانهای تهران را داده و در همین هفته هم باردیگر رژیمش با خشونت واکنش نشان داد.

احمدی‌نژاد بعد از سقوط مبارک به جمعیت در میدان آزادی در تهران گفت «علیه همه طرحهای پیچیده و شیطانی آمریکا، یک خاورمیانه جدید بدون رژیم صهیونیستی و دخالت آمریکا دارد پدیدار می‌شود، جایی‌که قدرتهای استکباری در آن جایی نخواهند داشت». اینها حرفهایی بود که او زد.

علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم ایران، روز ۱۴فوریه به تلویزیون دولتی گفت: «آمریکاییها موضعشان را در ۲۰ روز گذشته چندین بار عوض کرده‌اند. اول آنها شک داشتند که موضعی بگیرند. وقتی اعتراضات تشدید شد آنها به مردم روی آوردند و شروع به حمایت از آنها کردند»

دقیقاً به همین دلیل است که رژیم تهران اجازه نداده و نخواهد داد تظاهرات ضدحکومتی در ایران شدت یابد. حاکمان ایران می‌ترسند آمریکا در کنار اپوزیسیون سازمانیافته ایران قرار بگیرد و باعث تقویت و قدرت آن شود. آمریکا نباید منتظر نتیجه تظاهرات باشد و باید پیشاپیش تصمیم بگیرد که می‌خواهد در چه سمتی باشد، به‌خصوص وقتی که ما شاهد پتانسیل عظیم برای تغییر در ایران در تابستان۲۰۰۹ بودیم.

حتی قبل از اینکه ایرانیان به خیابانها بروند، ملاها تعداد بی‌سابقه‌یی را اعدام کردند و خواستار اعدام هرکسی که مخالفت می‌کند شدند. به‌طور مشخص آخوندها چندین عضو اپوزیسیون اصلی ایران، مجاهدین را اعدام کردند که در تظاهرات ضددولتی سال گذشته دخالت داشتند. آنها اقوامی در کمپ اشرف داشتند که تلاشهای رژیم ایران و عواملش در میان مقامات عراق برای استرداد ساکنان کمپ به ایران یا نابودکردن جمعی آنها، به جایی نرسیده است.

ولی به‌رغم اینها، مردم آنقدر شجاعند که مجدداً این هفته به خیابانها آمدند. رژیم ایران ارتباط بین تظاهرکنندگان را با جهان خارج قطع کرد. اینترنت را قطع کرد تا بتواند با استفاده از وحشیگری سرکوب بکند.

وزیر خارجه هیلاری کلینتون از دهها‌هزار تظاهرکننده در این هفته در پایتخت ایران، حمایت کرد. او گفت دولت اوباما «بسیار روشن و مستقیم از آرزوهای مردم که در خیابانهای تهران هستند» حمایت می‌کند.

او هم‌چنین از عوامفریبی رژیم ایران نام برد که تظاهرات در مصر را ستود ولی اپوزیسیون خود را در داخل سرکوب کرد. «باید تعهدی برای گشایش نظام سیاسی باشد تا صدای اپوزیسیون و جامعه مدنی شنیده شود».

با این وجود، ما باید بر دورویی نهفته در رابطه با اپوزیسیون ایران در سیاستمان غلبه کنیم.

وزارت خارجه آمریکا، سازمان مجاهدین خلق ایران را در لیست نگهداشته و این کار یعنی دور نگهداشتن بزرگترین و سازمانیافته‌ترین گروه اپوزیسیون ایران که رژیم ملاها بیش از همه از آن می‌ترسد از مباحثه سیاسی، یک موقعیت دلخواه برای رژیم ایران است که می‌خواهد آمریکا کسانی را که تهدیدی برای رژیم هستند، در لیست قرار دهد و فعالیتهایش را محدود نماید. درنتیجه این نامگذاری در ۱۴سال گذشته، انرژی این سازمان به جای این که صرف مبارزه با رژیم ایران شود، برای مبارزه با عواقب نامگذاری و تلاش برای خروج از لیست صرف شده است.

به عبارت دیگر رژیم ایران شیطان بزرگ را وادار به کارکردن برای خودش کرده است، انهم در حالی‌که مردم ایران در خیابانها خواستار تغییر رژیم هستند.

همان‌طور که می‌دانید حدود ۳۴۰۰عضو مجاهدین که درحال‌حاضر در اشرف در عراق و نزدیک مرز ایران مستقر هستند، در شرایط خطیری بسر می‌برند. در سال۲۰۰۳ آنها سلاحهایی را که برای دفاع از خودشان داشتند در قبال تضمین قاطع معاون فرمانده نیروی چندملیتی در عراق مبنی براین‌که با آنها به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخورد می‌شود، تحویل دادند.

از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ آمریکا به این تعهد پایبند بود و ژنرال پترائوس مسئولیت حفاظت را با گرفتن تضمینهایی مبنی بر این که ساکنین اشرف کماکان حفاظت خواهند شد، تحویل نیروهای عراقی داد. ولی رژیم ایران در این زمینه فشار فزاینده‌یی روی دولت عراق وارد کرد که در دو ماه گذشته شرایط ساکنان کمپ بدتر شده است.

نیروی قدس رژیم ایران که فعالیتهایش توسط نیروهای عراقی، چشم پوشی یا فعالانه حمایت می‌شد، به ساکنان اشرف حمله کرد و آنها را مورد آزار قرار داد. همان‌طور که شنیده‌اید آنها در مقابل در ورودی اشرف ۱۸۰بلندگو نصب کرده‌اند که شب و روز برای تهدید و آزار ساکنان و ممانعت از استراحت آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فشار روانی یک سال است که ادامه دارد. خدمات پزشکی کماکان از ساکنان اشرف دریغ می‌شود.

ما درمورد خطرات بنیادگرایی اسلامی صحبت می‌کنیم و آن را تشخیص می‌دهیم ولی تغییر واقعی از خارج از جهان اسلام تقریباً غیرممکن است. درهمین حال، مجاهدین یک سازمان معتقد به اسلام بردبار و متعهد به برقراری یک ایران دموکراتیک، مبتنی برجدایی دین از دولت و غیرهسته‌یی است. با این‌حال به‌جای کمک و تشویق مجاهدین، آمریکا مجاهدین را در لیست قرار داده و نامگذاری کرده است.

این یک موضع حزبی جمهوریخواهان یا دموکراتها نیست. تاریخچه آن به سالهای ۱۹۹۰ در طول ریاست‌جمهوری کلینتون برمی‌گردد که سازمان مجاهدین خلق ایران طبق قانون آمریکا توسط وزیر خارجه به‌عنوان سازمان تروریست خارجی نامگذاری شد. این کار از ابتدا تا کنون غیرقابل توجیه و همراه با این توهم بوده که نامگذاری سازمان مجاهدین خلق به مذاکره با رژیم ایران کمک می‌کند. متأسفانه این نامگذاری حتی در دوران حاکمیتی که من در آن خدمت کردم بعضاً به این دلیل ادامه یافت که اگر سازمان مجاهدین از لیست خارج شود، رژیم ایران بمبهای انفجاری نفوذکننده و سایر کمکها را به عراق خواهد فرستاد که البته رژیم ایران در هرصورت این کار را می‌کرد.

برداشتن بلافاری نامگذاری مجاهدین، فرصتی برای تغییر فوری این وضعیت است. این کار سه اثر دارد. اولاً به رژیم حاکم نشان می‌دهد که ما جدی هستیم و آماده‌ایم همه اقدامات لازم را برای فشارآوردن به رژیم انجام دهیم. ثانیاً یک علامت قوی به مردم ایران می‌فرستد که سیاست آمریکا به‌طور واقعی همراهی با مردم ایران و آنهایی است که در مقابل رژیم می‌ایستند و به تشدید اعتراضات در ایران کمک می‌کند. ثالثاً تمرکز رژیم ایران در استفاده از حزب‌الله در لبنان و شرایط متحول مصر را برهم می‌زند.

درحالی‌که رژیم در تهران سعی می‌کند از شرایط در مصر و سایر کشورهای خاورمیانه بهره‌برداری کند و برنامه سلاحهای هسته‌یی خود را تسریع کند، آمریکا باید دست بالا را داشته باشد و اپوزیسیون اصلی ایران را درحالی‌که مردم ایران خود را آماده تظاهرات ضدحکومتی بیشتری می‌کنند تقویت کند.

قطعاً هیچ دلیل درستی برای ادامه تروریست‌نامیدن گروهی از افراد که طبق شهادت همگان تنها خواستار دستیابی به آزادیهایی هستند که ما هم از آن بهره‌مندیم، وجود ندارد.

البته ادامه نامگذاری مجاهدین، با به حاشیه‌راندن سازمانی که بالقوه تهدید بزرگی برای رژیم است، به رژیم ایران بسیار آسودگی خاطر می‌دهد. همین‌طور توجیهی برای رژیم ارائه می‌کند که مجاهدین را در ایران اعدام کند و این‌طور وانمود کند که با اینکار دارد با تروریستها مبارزه می‌کند.

یک اتفاق‌نظر فزاینده در آمریکا وخارج از آمریکا در مورد ضرورت حذف نام مجاهدین از لیست وجود دارد

یک اتفاق‌نظر فزاینده در آمریکا وخارج از آمریکا در مورد ضرورت- حذف نام مجاهدین از لیست وجود دارد. شمار فزاینده اعضای کنگره که از قطعنامه‌یی در این زمینه حمایت می‌کنند، درجه اتفاق‌نظر در این زمینه را درکشورما نشان می‌دهد. این یک اتفاق‌نظر دو حزبی است.

به عبارتی این امر فراتر از پرونده این موضوع در دادگاه ناحیه کلمبیا و فراتر از مجاهدین، امری مربوط به موضع ایالات متحده در قبال رژیم ایران است.

من فکر می‌کنم وقتی مردم ایران به خیابانها می‌آیند و زندگی خود را برای آزادی به‌خطر می‌اندازند، همان کاری که الان دارند می‌کنند و همان‌طور که بعد از انتخابات قلابی ژوئن۲۰۰۹ کردند، پاسخ ما از طریق کسانی‌که در دولتمان ما را نمایندگی می‌کنند باید از تندرادمن به ملاها، به نحوی که تا به‌حال کرده‌ایم فراتر برود. جهان دارد بهما نگاه می‌کند.

ضروری است که در سخن و در عمل روشن کنیم که ما وقتی اوضاع خراب می‌شود چیزی بیش از تسلیت به مردمی که آماده‌اند زندگی خود را به‌خطر بیندازند ارائه می‌کنیم. ما باید حمایت و تشویق کنیم و ما باید در سخن و در عمل برای رژیم ایران روشن کنیم که ما درکنار آنهایی هستیم که برای آزادی می‌ایستند و تغییر رژیم را می خواهند.

مجدداً از افتخار بزرگی که از صحبت با شما پیدا کردم متشکرم.

ارتشبد مایکل هیدن

رژیم ایران در مسیر کسب قابلیت اتمی است. این سیاست رژیم ایران بود که در بالاترین سطوح آن به تصویب رسیده بود که کشتار سربازان آمریکایی و ائتلاف درعراق را تسهیل کند. سیاست تعامل و تحریم نمی‌تواند به هیچ وجه به این منجر شود که رفتار رژیم ایران را تغییر بدهد

رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا
از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷

این گردهمایی برجسته متشکل از تصمیم‌گیران و سیاستگذاران است و من کسی هستم که در زمینه اطلاعات کار می‌کند. بنابراین فکر می‌کنم بهتر است من از نقطه‌نظر فردی که در زمینه اطلاعات کار کرده وارد این بحث شوم.

قبل از این‌که به جزئیات بپردازم، باید به شما توضیحی در مورد معنی این حرفه بدهم. مرکز ثقل فعالیت اطلاعاتی، شرایط موجود جهان و شرایط مطلوب جهان از نقطه‌نظر ما می‌باشد. کار اطلاعاتی در فرایندهای تصمیم‌گیری در این راستا نقش بسیار غنی را به خود اختصاص می‌دهد.

شما در همان اطاقی خواهید بود که این افراد برجسته در آنجا حضور دارند اما از در کاملاً متفاوتی وارد می‌شوید.

من فردی هستم که با فاکت و حقایق کار دارم و درحال صحبت با فردی هستم که نگران چشم‌انداز و بینش درازمدت است. همان‌طور که فرماندار (ریچاردسون) گفت، این فرد دوم اساساً خوشبین است. وگرنه چنانچه فرد نمی‌کرد که می‌تواند تغییر ایجاد کند، برای این کار کاندید نمی‌شد.

فردی که سرگرم حرفه اطلاعات است هیچ‌گاه سیاستگذاری نمی‌کند، اما مسئولیت او تعیین مرزهای چپ و راست است، مرزهای مربوط به آنچه که امکانپذیر است را معین می‌کند.

باید به شما بگویم که من در موارد متعددی در چنین گفتگوهایی درمورد ایران در دفتر پرزیدنت بوش و تیم او شرکت داشتم. رژیم ایران بعد از القاعده دومین مسأله مهمی بود که وقتی من در دولت بودم، ما درمورد آن بحث می‌کردیم.

پرزیدنت بوش صدها سؤال درمورد ایران داشت. ازجمله در رابطه با برنامه اتمی، در رابطه با برخی جزئیات فیزیکی آنجا و هم‌چنین خود ایران و این‌که چگونه اداره می‌شد و مخصوصاً اینکه رژیم ایران چگونه تصمیمات خود را اتخاذ می‌کرد. باید بگویم که اگرچه این سؤالات بسیار سخت بودند اما دقیقاً همان سؤالات مد نظر من بودند.

پرزیدنت بوش در حقیقت درمورد ایران و میزان درک و فهمی که ما می‌توانستیم به او ارائه دهیم کمی بی‌صبر بود. من یک مورد را به‌یاد می‌آورم که او به من گفت «مایک! ایران کره شمالی نیست. ما تاحدی به آن دسترسی داریم. پس چرا این‌قدر برای ما غیرشفاف است؟» در یک مورد دیگر او با انگشت تقریباً به وسط سینه من می‌زد و می‌گفت «من هیچوقت نمی‌خواهم هیچ رئیس‌جمهور آمریکایی در جایگاهی قرار گیرد که بین دو گزینه قبول‌کردن یک رژیم اتمی یا شروع یک تهاجم نظامی بزرگ علیه این رژیم، یکی را انتخاب کند».

حال من یک قدم به‌عقب می‌گذارم و کنجکاوم که بدانم افرادی که با حقایق سروکار دارند، کسانی که در حرفه ما هستند، چه چیزی در جواب به این سؤالات به‌کسانی که چشم‌اندازها را در دولت ترسیم می‌کنند می‌گویند.

فکر می‌کنم اولین چیزی که بگویند این است که رژیم ایران در مسیر کسب قابلیت اتمی است. برای من انتخاب بسیار دقیق کلمات از سوی آقای همیلتون بسیار گیرا بود. او گفت «قابلیت اتمی» و من نیز در همین نقطه‌ام.

از دیدگاه شخصی من، اگر این یک سلاح است، رژیم ایران به آن نقطه می‌رسد. ما یک جعبه ابزاری در گاراژ داریم و می‌توانیم طی دو هفته آن را بسازیم چراکه داشتن سلاح و به‌خصوص آزمایش آن، چیزهای متعددی را به چرخش می‌اندازد که آنها نه می‌خواهند و نه به آن نیاز دارند.

چگونه می‌توانیم بدانیم که چقدر نزدیک هستند؟ جانشین من به پرزیدنت می‌گوید که آنها بسیار نزدیکند اما نمی‌توانم بگویم تا چه حد. عقاید عمومی در رابطه با نظام اطلاعات ملی به قرار است منتشر شود در دست انتشار است. من این سند را ندیده‌ام.

بیانی‌که در مطبوعات به‌چشم می‌خورد تا حدودی همان چیزی را که من گفتم تکرار می‌کنند. آنها از عبارت «سلاح اتمی مجازی» استفاده می‌کنند و من از عبارت «عبور پایدار». فکر می‌کنم این یک واقعیت است.

این بسیار مهم است. بگذارید حقیقت دیگری را با شما در میان بگذارم که «فرد درگیر حقایق» باید به «فرد درگیر چشم‌اندازها» بگوید.

حقیقت دوم عبارتست از اینکه یک امکان بسیار واقعی وجود دارد که رژیم ایران در واقع قابلیت آن را ندارد که مسیر را متوقف کند. به حرفم گوش کنید. به یاد آورید که بعد از اینکه دولت اوباما روی کار آمد ما به رژیم ایران ترتیبی را پیشنهاد کردیم که برمبنای آن، آنها می‌توانستند اورانیوم غنی‌شده را بگیرند و به‌طرف حساب دوم یا سومی بدهند که به‌ایزوتوپهای پزشکی تبدیل شده و به ایران بازگردانده شود. این معامله هیچ ربطی به‌متوقف‌کردن سانتریفوژها که سابقاً خط قرمز آمریکا بود نداشت. ما از خط قرمز خود به‌طور چشمگیری کوتاه آمدیم و حق آنان برای استفاده از سانتریفوژها را مورد چالش قرار ندادیم. در حقیقت به صراحت حق غنی‌سازی اورانیوم در حد ۲۰ درصد را برای آنها به رسمیت شناختیم.

اما آیا به‌یاد می‌آورید که آنها قبول نکردند؟ آنها نتوانستند آنچه را که به عقیده من با درنظرگرفتن هرگونه مقیاس عینی یک امتیاز بسیار قوی محسوب می‌شد، قبول کنند.

آنها این کار را با وجود فرآیندها و دینامیسم درونی رژیم نتوانستند انجام دهند. نتوانستند آری بگویند حتی زمانی‌که به‌نفع خودشان بود. ما همین موضوع را در یک مثال دیگر دیدیم.

به یاد دارید سه کوهنورد آمریکایی را که محکوم شدند و دو نفر از آنان هنوز در بازداشت بسر می‌برند. آیا تناتری را که در مورد یک خانم جوان که دستگیر شد، اجرا کردند، به یاد دارید؟ آنها می‌گفتند او را آزاد خواهیم کرد، نه، آزاد نخواهیم کرد و بعد ناگهان او از امان پایتخت اردن سردرآورد.

به اختلافاتی که به آن نتیجه منجر شد بنگرید. ما آخرین رشته از تحریمها را اعمال کردیم که بسیار قوی بودند. از پرزیدنت در یک نشست مطبوعاتی با برخی از ساحب‌نظران نقل شده بود که رژیم ایران ممکن است آنقدر تعهد ایدئولوژیک برای دستیابی به سلاح (اتمی) داشته باشد که هیچ اندازه از فشار نتواند آن را از مسیرش بازدارد.

این نکته نتایج بسیار بزرگی در زمینه سیاستگذاری در بر دارد. اگر هدف ما تغییر تفکر رژیم باشد و اگر ما بخواهیم این مشکل را از طریق تعامل و تحریم حل کنیم، با قبول فرضیه‌یی که من ارائه دادم، آنها نمی‌توانند پاسخ مثبت بدهند. بنابراین این تلاشها اتلاف وقت است.

حقیقت سوم این است که رفتار رژیم و زمینه‌های مختلف دیگر، امیدی بهما نمی‌دهند که روابط با آن تغییر یابد. رژیمی که حمایت آن از سوریه، حزب‌الله و حماس به‌خوبی شناخته شده است. این ایده در ذهن من زمانی شکل گرفت که من رئیس سازمان اطلاعات مرکزی بودم و در رابطه با روزهای سیاه در عراق و بمبهایی که توسط رژیم ایران طراحی شده بود، صحبت می‌کردیم. این سیاست رژیم ایران بود که در بالاترین سطوح آن به تصویب رسیده بود که کشتار سربازان آمریکایی و ائتلاف در عراق را تسهیل کند. دیگر از این روشنتر نمی‌توان از رفتار رژیم سخن گفت.

وقتی در دولت بودم معمولاً از من سؤال می شد که اگر رژیم ایران به سلاح اتمی دست یابد آیا ما می‌توانیم استفاده آنان از سلاح اتمی را به تأخیر اندازیم؟ باید قبول کنم که این سؤال برای من شگفت‌آور بود که آیا می‌توانیم استفاده رژیم از سلاح اتمی را به‌تأخیر اندازیم، چرا که من صراحتاً بگویم، فکر می‌کنم اگر شما در رابطه با نیروی بازدارنده در اینجا سخن بگویید، ما در رابطه با بازداشتن رژیم صحبت نمی‌کنیم. ما در رابطه با نیروی بازدارندگی رژیم علیه خودمان صحبت می‌کنیم.

ببینید که این رژیم بدون سلاح هسته‌یی درحال‌حاضر چه کار می‌کند و بعد تصور کنید که چنین رژیمی با داشتن سلاح اتمی چه خواهد کرد، حتی اگر چنین سلاحی تنها به‌مصداق جعبه ابزار در گاراژ باشد.

و این ما را به چهارمین حقیقت می‌رساند، اینکه چگونه باید با وقایع اخیر مقابله کنیم؟ بی‌رحم بودن این رژیم تا چه اندازه است؟ اولین چیزی که باید بگویم این است که این رژیمها مانند دومینو عمل نخواهند کرد. اینها رژیمهای بسیار متفاوتی هستند.

باید پیچیدگی فکری زیادی را به خرج داد تا بتوان دید که چگونه وقایعی که در تونس یا مصر یا یمن اتفاق می‌افتند در ایران به‌وقوع خواهند پیوست.

مخرج مشترکهای زیادی وجود دارد. چند نفر در این‌جا تا به‌حال اشاره کرده‌اند که این رژیمی است که مردم خود را با گلوله هدف قرار داده است و از این حیث با حکومتهای تونس و مصر تفاوت دارد. این حقیقت موضوع را برای تصمیم‌گیرندگان ما بسیار بسیار دشوار می‌کند. موفقیت چیزی نیست که حتمی یا تضمین شده باشد.

صراحتاً بگویم که مقداری از اکراه این دولت را درک می‌کنم چون ما هم از این حیث در دولت قبلی شریک بودیم. چراکه اگر اثر انگشت آمریکایی روی آن زیاد شود، حل موضوع برای مردم ایران که ما همه می‌دانیم در نهایت این موضوع را حل خواهند کرد، سخت‌تر خواهد بود.

نقطه‌نظرات ما تا حدی محتاطانه بوده‌اند. گفته‌های ما در مورد فرایند بوده و نه تغییر. اگر شما گفته‌های فعلی ما را در رابطه با رژیم مقایسه کنید، درمورد رفتار رژیم نسبت به‌نظاهرکنندگان است. در رابطه با گذار معنادار است، بیانی که صادقانه باید گفت فقط ۱۰تا ۱۴روز پیش شروع به استفاده از آن کردیم.

اما این به برخی سؤالات بسیار واقعی تبدیل می‌شود. اگر یک رژیم اتمی غیرقابل‌قبول است و سه پرزیدنت پی‌درپی آمریکایی گفته‌اند که غیرقابل‌قبول است، اگر تصمیم‌گیرندگان حکومت ایران نمی‌توانند این فرایند را متوقف کنند، اگر اجازه داده شود فرصت تحول رژیم از دست برود، آنگاه در سالهای۲۰۱۲ یا ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ یا ۲۰۱۵ ما به‌آن نقطه از دو شاخه‌بودن مسیری می‌رسیم که پرزیدنت بوش به من هشدار داده بود و هرکس که رئیس‌جمهور باشد با دو گزینه مواجه خواهد شد. کاری انجام بده یا هیچ کاری نکن. و در آن لحظه، هر دو آن گزینه‌ها بسیار بد خواهند بود.

از همه شما به‌خاطر این فرصت بسیار سپاسگزارم.

رژیم ایران قابلیت آن را ندارد که مسیر(اتمی) را متوقف کند. بعد از اینکه دولت اوباما روی کار آمد ما به رژیم ایران ترتیبی را پیشنهاد کردیم و از خط قرمز خود به‌طور چشمگیری کوتاه آمدیم و در حقیقت به صراحت حق غنی‌سازی اورانیوم در حد ۲۰ درصد را برای آنها به رسمیت شناختیم.
اما آیا به‌یاد می‌آورید که آنها قبول نکردند؟ آنها نتوانستند آنچه را که به عقیده من یک امتیاز بسیار قوی محسوب می‌شد، قبول کنند

لس آنجلس تایمز: فراخوانهای روز افزون مقامات کلیدی جمهوریخواه و دموکرات برای حذف نام مجاهدین از لیست آمریکا، علائم تغییر سیاست

Los Angeles Times

لس‌آنجلس تایمز:۲۵فوریه(۷اسفند):
آیا دولت اوباما سرنگونی حکومت ایران را با حذف نام یک گروه اپوزیسیون از لیست آمریکا تسریع خواهد کرد؟ پاسخ این سؤال، با گوش دادن به شمار روز افزون مقامات قبلی و بانفوذ دولت آمریکا ، مثبت است.

گروه اپوزیسیون مورد نظر، مجاهدین خلق و لیست روبه افزایش کسانی که در پایتخت آمریکا به حمایت از آن برخاسته‌اند شامل این مقامات است:

دو رئیس قبلی اطلاعات مرکزی آمریکا (جیمز وولسی و ارتشبدمایکل هیدن)،

دو رئیس قبلی ستاد ارتش آمریکا (ارتشبد پیتر پیس و ارتشبد هیو شلتون)،

دادستان کل (وزیردادگستری پیشین) مایکل موکیزی، وزیر امنیت داخلی بوش تام ریج و رئیس قبلی اف بی آی، لوئیس فری.

سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۹۹۷ در لیست آمریکا گنجانده شد. اقدامی که دولت کلینتون امیدوار بود به شروع دیالوگ با رژیم ایران کمک کند.

از آن زمان تاکنون مجاهدین درگیر یک کارزار گسترده برای حذف این نامگذاری می‌باشند.

بریتانیا و اتحادیه اروپا نام آنها را بترتیب در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ پس از صدور احکام دادگاه، ...حذف کردند.

در واشینگتن، ابتدا محافظه‌کاران ازحذف نام مجاهدین ازلیست حمایت می‌کردند ولی اکنون حمایت از آنها تمامی گستره سیاسی آمریکا را در برمی‌گیرد و حمایت یک چهره جدید با مواضع بسیار بالا در دولت اوباما می‌تواند علامتی از تغییر سیاست نه تنها در رابطه با سازمان مجاهدین، بلکه در زمینه روابط با حکومت تهران باشد.

این شخصیت جدید لی همیلتون یک مشاور عالیرتبه برزیدنت اوباما است که به مدت ۳۴ سال یک عضو دموکرات کنگره بود و ریاست مشترک کمیسیون تحقیق وقایع منجر به حملات ۱۱ سپتامبر را برعهده داشت.

فلینت لورت و مان لورت دو متخصص برجسته ایران درمورد ورود لی همیلتون به این کارزار نوشته‌اند «این یک واقعه بزرگ است».

آنها می‌گویند «ما معتقدیم درگیر شدن همیلتون، این احتمال را که اوباما سرانجام دست به حمایت از مجاهدین به‌عنوان برگ برنده در استراتژی جدید سیاست تغییر رژیم بزند، افزایش داده است». به عقیده این دو متخصص، این استراتژی ممکن است که برعکس عمل کند، ولی سخنرانان کنفرانس ۱۹ فوریه در واشینگتن که طی آن همیلتون اولین سخنرانی خود را به‌عنوان یک حامی مجاهدین ایراد کرد، نظرشان این نیست.

ژنرال پیتر پیس در سخنرانی خود دراین کنفرانس گفت «بعضیها به من می‌گویند اگر مجاهدین را از لیست حذف کنیم پیامش به رژیم ایران اینست که ما سیاستمان را در تلاش برای تغییر رفتار رژیم، به سیاست تغییر رژیم، تبدیل کرده‌ایم. این، به نظر من خوبست».

سیاست دولت اوباما، تغییر رژیم نیست، بلکه استفاده از تحریم و گفتگوهای چندجانبه برای ترغیب دولت در تهران به‌دست برداشتن از تلاشهای هسته‌یی است. این امر تاکنون موفق نبوده است.

مذاکرات ماه ژانویه بین رژیم ایران با ایالات متحده، چین، روسیه، فرانسه، بریتانیا و آلمان بدون پیشرفت بود و حتی منجر به یک توافق بر سر تاریخ گفتگوهای جدیدهم نشد.....

آنچه که امروز تغییر کرده لحن بیانیه‌های علنی آمریکا در مورد ایران از زمان موج تظاهرات گسترده‌یی است که منجر به تغییر حکام مستبد تونس و مصر شد و دولتهای ارتن، بحرین، یمن، الجزایر و عربستان را وادار به اعلام رفرمهایی کرده است. در مقابل، پاسخ رژیم ایران به تظاهرات گسترده، سرکوب خشونت‌بار بوده است.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد ایالات متحده به روشنی و مسقیما از خواستهای مردمی که در خیابانهای ایران برای فضایی دموکراتیک، به‌پاخاسته‌اند، حمایت می‌کند.....

در کنفرانس هفته گذشته واشینگتن، سخنرانان یکی پس از دیگری، از مجاهدین به عنوان یک نیروی اصلی که رژیم ایران از آن می‌هراسد و نسبت به آن کینه می‌ورزد نام بردند.

ژنرال شلتون از آنها به‌عنوان «بهترین گروه سازمانیافته اپوزیسیون» نام برد.

سفیر دل دیلی که تا سال ۲۰۰۹ مسؤل ضدتروریسم در وزارت خارجه آمریکا بوده است، گفت سازمان مجاهدین «بهترین نیروی قدرتمند برای سرنگون‌کردن رژیم ملایان است»....

در ژوئیه گذشته، دادگاه استیناف ناحیه واشینگتن به وزارت خارجه آمریکا دستور داد درمورد ممنوعیت مجاهدین بازنگری کند، که به تعبیری بیانگر این بود که نام آنها باید از لیست حذف شود...

حکم دادگاه به وزیرخارجه تا ماه ژوئن فرصت تصمیمگیری داده است.